

اماکن مقدس در مناقشه‌ی اسرائیل - فلسطین

یک نگاه تاریخی

گروهی: مارشال جی. برگر،
اسحاق رابین، لئونارد همر
مترجم: محمدیاسر خرزادی
ویراستار: سید حمید رهنما



گروه مطالعات اندیشه و زبان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۷۸-۳۰-۷

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۴۴۳۴

عنوان و نام پدیدآور: اماکن مقدس در سرزمینهای اشغالی یک نگاه تاریخی
مشخصات نشر: تهران: شرکت گروه مطالعات اندیشه و زبان آریا، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۵۶ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است

یادداشت: عنوان اصلی: Holy Places in the Israeli - Palestinian Conflict Confrontation and Co-Existence

شناسه افزوده: برگم، مارشال ج.، ۱۹۴۹- م.، ویراستار

شناسه افزوده: Breger, Marshall J.

شناسه افزوده: برگم، مارشال ج.، ۱۹۴۹- م.، ویراستار

شناسه افزوده: برگم، مارشال ج.، ۱۹۴۹- م.، ویراستار

شناسه افزوده: Hagener, Leonard M.، ویراستار

شناسه افزوده: Hite, Ritzhak

شناسه افزوده: فرزادی، محمدیاسر، ۱۳۶۳- م.، مترجم

وضعیت فهرست نویسی: فیبای مختصر

اماکن مقدس در مناقشه‌ی اسرائیل - فلسطین (یک نگاه تاریخی)

سپهر اندیشه (۸)

گردآوری: مارشال جی. برگم، اسحاق رابتر، لئونارد هَمر

مترجم: محمد یاسر فرزادی

ویرایش و نمونه خوانی: سید حمید رهنما

صفحه آرای: مریم خوش برش

نظارت چاپ: مهبد والی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۶- نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۹۰۰ نسخه

قیمت: ۴۷۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۷۸-۳۰-۷

ارتباط با مشتریان: ۸۸۷۰۰۵۹۶-۸۸۷۳۴۸۶۸

۰۹۱۳۳۶۱۷۷۵۳-۸۸۵۵۰۴۰۲

رایانامه: andishevarzan.info@yahoo.com

ارتباط تلگرامی: t.me/sepehrandish

فروش اینترنتی: ketab.ir/andishevarzan

store.gbook.ir

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست عناوین

.....	سخن ناشر	۷
.....	مقدمه	۹
.....	فصل اول: موضوع‌های مورد بحث قواعد قانونی اماکن مقدس	۲۷
.....	فصل دوم: مقررات قانونی اماکن مقدس	۵۹
.....	فصل سوم: مداخلت از سوی دولت مقدس در قوانین بین‌المللی	۱۴۱
.....	فصل چهارم: جنبه‌های سیاسی و امنیتی	۱۸۵
.....	فصل پنجم: سه نوع مکان مقدس در دین و این یهود	۲۴۳
.....	فصل ششم: مسئله‌ی وقف در اسرائیل از سال ۱۹۵۰	۲۷۱
.....	فصل هفتم: اماکن مقدس در فضای شهری	۳۲۳
.....	فصل هشتم: راهنمایی فرد بدبین در باب هم‌زیستی مذهبی	۳۵۷
.....	فصل نهم: اختلاف یا هم‌زیستی در اماکن مقدس مشترک؟	۳۸۹
.....	فصل دهم: نحوه‌ی برخورد با آثار باستانی تپه معبد - حرم الشریف	۴۳۵
.....	فصل یازدهم: اختلاف یا هم‌زیستی در اماکن مقدس مشترک؟	۴۶۷
.....	فصل دوازدهم: زیارتگاه‌های مقدس (مقامات) در فلسطین - اسرائیل امروزی	۵۵۱
.....	فصل سیزدهم: خودتوانمندسازی از طریق فرهنگ مذهبی	۵۸۱
.....	فصل چهاردهم: رأس التحسین (ع)	۶۲۹

سخن ناشر

پیشینه، مجموعه ای مطالعاتی در حوزه ی شناخت مسائل پیرامونی انقلاب اسلامی می باشد که به هدایت اساتید برجسته ی دانشگاهی در گروه مطالعات اندیشه و رزان فراهم آمده و تدوین صورت علاقه مندان میشود. هدف از انتشار این مجموعه بسط گستره ی معرفت سیاسی با توجه به موضوعات بین الملل بوده و فراتر از ادبیات رایج و روزمره می کوشد به کنکاشی اندمیک در حوزه هایی چون مطالعات صهیونیسم، غرب شناسی، مطالعات آمریکا و نگرش های بد آمده آن بپردازد. در گام نخست، رصد، بررسی، انتخاب و ترجمه ی آثار منتشره در غرب در موضوعات به سمرده در نظر گرفته شد و بدین ترتیب بیش از دوهزار عنوان کتاب مورد ارزیابی قرار گرفت. در واقع، ترجمه آثار انتخاب شده مقدمه ای بر تحلیل اندیشگانی موضوعات از منظر دیگری محسوب می شود و پس از آن، امکان ورود به حوزه ی کمتر پرداخته شده ی تالیفات علوم انسانی بخصوص به قلم اندیشمندان و دانش پژوهان نسل امروز انقلاب اسلامی هم می نمود. در همین پیوند، کارگروه محتوایی رصد آثار تلاش نمود تا با تعریف نظام سیر مطالعاتی موضوعات به تناسب از آثار مستند، روایی، مفهومی، تحلیلی و توصیفی بهره برده و مجموعه ای جامع در هریک از موضوعات را در دسترس مخاطب قرار دهد.

کتاب حاضر به عنوان یکی از آثار استنادی در شناخت اماکن مقدس در سرزمین های اشغالی به شمار می رود. نویسنده با بررسی تاریخی این اماکن سعی دارد زوایای اشتراک

فرهنگی و اختلافات بین قومی و بین مذهبی در این اماکن مورد پژوهش قرار دهد. در اینجا لازم است ضمن تشکر از مترجم محترم جناب آقای محمد یاسر فرحزادی، اشاره شود مطالب کتاب بدون کم و کاست منتشر گردیده و بنابراین، بدیهی است که مبین نظرات ناشر نمی باشد و صرفاً به عنوان منبعی مطالعاتی با هدف پیشگفته محسوب می گردد. امیدواریم مطالعه‌ی این اثر در کنار سایر آثار این گروه بتواند به شناخت پدیده‌ی شوم صهیونیسم در جهان بیانجامد و اذهان جستجوگر و اندیشه‌ورز را تأمین مطلوب نماید. در پایان شایسته است از اساتید محترم دانشگاهی آقایان دکتر ناصر پورحسن، دکتر احمد سرشار، نژاد، استاد حسن فکری، استاد علیرضا سلطانشاهی و دکتر عباس سلیمی نمین، به همراهی با این مجموعه قدردانی نمایم.

تهران - گروه مطالعات اندیشه‌ورزان

www.ketabon.com

مقدمه^۱

تأثیر متقابل دین و سیاست

اماکن مقدس نه تنها در موضوع‌های دینی، بلکه در مسائل مرتبط با سیاست هم نقشی مهم و اغلب محوری ایفا می‌کنند. این مبحث موضوع‌های قابل توجهی را حول محور هویت ملی، نحوه‌ی برخورد با اقلیت‌ها و رویکردهای مربوط به همزیستی مطرح می‌کند. در نهایت، مباحث حول اماکن مقدس، استعاره‌ای برای چگونگی برخورد با عناصر مذهبی در یک مناقشه هستند. این عناصر موضوع‌های مرتبط با هویت را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به‌جای ویژگی‌های سیاسی بر ویژگی‌های مذهبی مناقشه تأکید می‌کنند.

مناقشه‌های قومیتی و ملی در عصر حاضر، بیش از متضمن کشمکش بر سر اماکن مقدس [۱] یا به‌کارگیری این اماکن به‌عنوان نماد هویت یک گروه [۲] و حتا منشأ اتحاد سیاسی در برابر گروه رقیب است. گواه این ادعا، نوظهور امروزی، نمونه‌های تازه‌ی ذیل هستند:

- تخریب مسجد العسکری شیعیان در سامرا توسط گروه‌های افراطی سنی در سال ۲۰۰۶ [۳] در خلال جنگ خونین عراق.^۲

- تخریب کلیساهای ارتدکس در درگیری سال ۱۹۹۹ در کوزوو [۴] و مساجد در بوسنی بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ [۵] همچنین تخریب اماکن مذهبی در

۱. مارشال جی. برگر (Marshall J. Breger)، اسحاق رایتز (Yitzhak Reiter) و لئونارد هامر (Leonard Hammer).

۲. اشاره به انتقار در حرم امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) - سو.

جریان محاصره‌ی شهر دوبروونیک^۱ کرواسی توسط ارتش خلق یوگسلاوی در سال ۱۹۹۱ [۶] در درگیری‌های مسلحانه در یوگسلاوی سابق.

- تخریب مجسمه‌های بودا توسط حکومت طالبان افغانستان در سال ۲۰۰۱ [۷]

- تخریب مسجد بابری^۲ در آیودیا^۳ در مناقشه‌ی هندوها و مسلمانان در هند و

کشمیر در سال ۱۹۹۲ [۸].

- آتش کشیدن و تخریب مقبره‌ی منسوب به یوسف نبی در نابلس توسط

فلسطینی‌ها در سال ۲۰۰۰ [۹].

اگرچه این هسته‌ها که به موضوع‌هایی مانند اهمیت فرازمانی اماکن مقدس در جغرافیای مقدس، [۱۰] با جلی ادراک انسانی از عالم الهیات [۱۱] می‌پردازند، اما تحقیقات کمی در خصوص ابعاد فرهنگی و سیاسی این مکان‌ها صورت گرفته؛ [۱۲] هدف این کتاب، پر کردن این شکاف است.

به‌طور شگفت‌انگیزی در عصری که تحقیقات حول رشته‌های مختلف علمی صورت می‌گیرد، تحقیقات اندکی (مماثل در یافت خاورمیانه) به چگونگی تأثیرگذاری جایگاه سیاسی و فرهنگی اماکن مقدس می‌پردازند. از این گذشته، مباحث مرتبط با اماکن مقدس، بستری را برای فهم همبستگی باور و منش مذهبی فراهم می‌آورد که از طریق آن، افراد باایمان اقدامات دیگر افراد گروه‌ها را درک

Dubrovnik ۳

Babri: ۲ در اوایل سده‌ی دهم هجری/شازدهم میلادی به دستور ظهیرالدین محمد بابر بنا شده بود. هندوهای راطی معتقدند که مسجد در محل زادگاه خدای آن‌ها، بنا شده که پیش‌تر مبدی نیز در آن‌جا قرار داشته که در زمان بابر تخریب شده است. با تخریب مسجد بابری ناآرامی‌ها و درگیری‌های شدیدی شروع شد که تا کنون حدود دو هزار نفر که پیش‌ترشان مسلمان هستند، در این درگیری‌ها جان باختند. در سپتامبر ۲۰۱۰ در پی شکایت مسلمانان، دادگاه عالی اقلیاد طی حکمی مجموعه زمین‌های مسجد بابری را به سه بخش تقسیم کرد که یک بخش برای معبد هندوها، یک بخش در مالکیت هندوهای اشموهی آکازا و بخش سوم به مالکیت مسلمانان برای ساخت دوباره‌ی مسجد بابری اختصاص داده شده است. بعضی از سازمان‌های هندویی از این حکم استقبال کردند ولی سازمان‌های مسلمانان به آن اعتراض و در دیوان عالی هند در دلی تقاضای فرجام کردنتونسو.

۳. Ayodhya

۴. این مقبره را یهودیان منسوب به حضرت یوسف می‌دانند ولی مسلمانان معتقدند که متعلق به ابن پیامبر نیستند.

و تعبیر می‌کنند و از این رهگذر، راه را برای هم‌زیستی احتمالی و گفت‌وگوهای بیش‌تر هموار می‌کنند. تمرکز بر اماکن مقدس می‌تواند چگونگی انتقال یک مناقشه از سطح سیاسی و ملی به درگیری فرهنگی و مذهبی را نشان دهد و شاید این امکان را برای ما فراهم آورد تا شیوه‌های اشاعه‌ی آن تحول خطرناک را تجزیه و تحلیل نماییم. [۱۳]

این کتاب به موضوع‌هایی می‌پردازد که هم عمومی، هم خاص و هم منطقه‌ای هستند و در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

- اماکن مقدس به نماد و نشانه‌هایی دارند و چه شخص یا نهادی مجاز به تعیین این نوع مکان‌هاست؟

- شناسایی مکان‌ها چه تأثیرهایی در پی دارد و شناسایی چگونه انجام می‌شود؟

- آیا عناوین اماکن مقدس به‌تنهایی، رایدئولوژی سیاسی تأثیر می‌گذارند یا به‌راستی تجلی باورهای مذهبی هستند و چگونه باورهای مذهبی مرتبط با اماکن مقدس، ملاحظات سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

- فرهنگ به چه اندازه درک یا اهمیت متصور از یک مکان مقدس را شکل داده و شناسایی می‌کند؟

- اماکن مقدس در تحولات سیاسی مرتبط، به‌ویژه در مناطق مورد مناقشه یا درگیری، چه‌قدر اهمیت دارند؟

- آیا پیشینه‌ی تاریخی بر چگونگی ارتباط گروه‌های قومی یا مذهبی متعارض تأثیر می‌گذارد؟

اماکن مقدس، عنصر فرهنگی تأثیرگذار بر ملی‌گرایی نوین

امیل دورکیم^۱ از چشم‌انداز زندگی مذهبی، تمایزی اساسی را بین دو مقوله‌ی «مذهبی» و «غیرمذهبی» مطرح کرده است. او می‌گوید «اگر قرار است زندگی مذهبی گسترش یابد، لازم است که مکان خاصی برای آن تدارک دیده شود؛ موادی که زندگی غیرمذهبی از آن مستثنا می‌شود و بنیاد معابد و اماکن مقدس از آن برچشمه می‌گیرد.» [۱۴] بیان دورکیم از «مکانی خاصی» (یا آنچه که ما آن را «مقدس» می‌نامیم)، به‌ظاهر بر پایه‌ی رویکرد او نسبت به مقوله‌ای مقدس به‌عنوان دیده‌ای است که از ماهیت انسانی و از اجتماع نشأت می‌گیرد و مزید بر ویژگی‌های عنصر بنیادی می‌شود. [۱۵] با این حال، این رویکرد تنها تا حدی مفید بوده است. مثلاً حقیقتی که دون ماری هیز^۲ در مورد کلیساهای قرون وسطا در اروپا انجام داده است، نشان می‌دهد که آمیختن مقولات مذهبی و غیرمذهبی در واقع، حقیقتی جداناپذیر از مکان‌های مقدس مسیحیان بوده است. [۱۶]

میرچئا الیاده^۳ در تعیین قداست و شأن یک مکان خاص مذهبی، نقش انسان را - در مقایسه با وحی - مورد بحث قرار داده است. [۱۷] الیاده در کتاب خود با عنوان مذهبی و غیرمذهبی (۱۹۵۹) چگونگی تبدیل خدایی غیرمذهبی را به فضایی مقدس بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که این فرآیند نادین بر ویژگی‌های معنوی همراه با ویژگی‌های مادی و عمیق‌تر طبیعی تأثیر می‌گذارد و بی‌آمدهای تعیین مکانی خاص در حکم مکانی مذهبی را مجزا می‌کند. تعیین یک مکان به‌عنوان یک مکان مذهبی بیش‌تر واکنشی است به یکی از دو نوع رویداد، برخی رویدادها (مقدس‌نمایانه)^۱ متضمن تجلی آشکار از طبیعت خدایی هستند، در حالی

۱. Emile Durkheim

۲. Dawn Mari Hayes

۳. Mircea Eliade

که در رویدادهای دیگر (که وابسته به تجلی خداوند در انسان هستند)^۲، شخص پیامی را از عالم الوهیت دریافت می‌کند و آن را برای دیگران تفسیر می‌کند. [۱۸] با وجود این، الیاده اساساً به جای جنبه‌های دنیوی این پدیده به اهمیت معنوی این نوع تقدیس اشاره می‌کند.

هارولد ترنر^۳ در نوشته‌های خود در سال ۱۹۷۹ رویکردی پدیدارشناختی را نسبت به «کنز مقدس به‌ویژه، پرستش‌گاه‌ها مطرح می‌کند. او بر نقش این اماکن به‌عنوان «کانون جهان» و مکان گردهم‌آیی یک اجتماع علاوه بر نقش آن‌ها به‌عنوان «ذی‌خود» تأکید می‌کند. از این گذشته، او نقش این اماکن را در حکم نماد یک مقیاس کیهانی، قلمرویی ملکوتی و به‌عنوان وجود متعالی و همه‌جا حاضر خداوند برجسته می‌سازد. [۱۹]

محققان بعدی که در پی رویکردی تجربی بودند، از رویکرد پدیدارشناختی انتقاد کردند. جرارد ویگز^۴ در تحقیقی که به نام «شهرهای مقدس در سال ۲۰۰۴ انجام داد، بین فضاهاى شهری «غیرمذهبی» که شامل یک یا چند مکان مقدس مهم هستند (مثل اورشلیم)^۵ و فضاهاى شهری «مذهبی» که مکان‌های مقدس در آن‌جا وجود دارد، مثل مکه و مدینه، منوره، براب، سیدبان، و واراناسی^۶ برای هندوها تمایز قائل می‌شود. [۲۰] در واراناسی نه تنها مکان‌های خاصی از شهر،

۱. به تفسیر رخدادهاى اسرارآمیز در حوزه‌ی مذهبی مرتبط با حرم. Hienphat

۲. Theophrastus

۳. Harold Turner

۴. Gerard Wiegers

۵. در این کتاب از این پس از معادل عربی این شهر، یعنی قدس، استفاده خواهد شد.

۶. Varanasi: بنارس، بنارس یا وارناسی، شهری در کرانه‌ی چپ رود گنگ در جنوب شرقی ایالت اوتار برادش هند است. این شهر از مراکز دینی عمده‌ی هندوان است و در نزد بوداییان و پیروان آیین جین نیز مقدس است. بنارس از شهرهای مهم تاریخی، فرهنگی و تجاری هند و از مراکز قدیمی و مهم شیعیان شیعافرهی هند هم به شمار می‌رود. واژه‌ی بنارس، شکل دیگر واژه‌ی وارناسی است. برخی این نام را برگرفته از نام دو رودخانه‌ی ورونه و آسی می‌دانند که پایه‌ی علمی نلدرد از دیگر نام‌های معروف آن کلانی است که به‌ظاهر از نام یکی از قبایل لویایی آن منطقه گرفته شده و به اعتقاد عموم مفهوم براتی و درخشان دارد در زمان اورنگ زیب شهر را محمدآباد نامیدند ولی با انقضای بابریان این نام به فراموشی سپرده شد.

بلکه کل شهر مقدس به شمار می‌رود.

چیدستر و لیننتال^۱ در کتاب خردمندانه‌ی خود با عنوان فضای روحانی در آمریکا (۱۹۹۵) [۲۱] نظرانی را ارائه می‌دهند که پیش‌تر متکلم هلندی گاردوس ون در لئو^۲ (که الیاده از نظریه‌ی پدیدارشناختی او تقلید کرد) مطرح کرده بود. ون در لئو [۲۲] در تحقیقات اثرگذار خود در سال ۱۹۳۳، به سیاست فضای روحانی می‌پردازد و استدلال می‌کند که تعریف یک مکان به‌عنوان مکانی مقدس اقدامی سیاسی است که با هدف «تسخیر مکان» صورت می‌گیرد. در حقیقت، مکان‌های مقدس به واسطه‌ی خطامشی مالکیت و تسخیر توصیف می‌شوند. از آن زمانی که یک مکان در حجم مکانی مقدس تعریف می‌شود، در معرض مصادره و تغییر مالکیت قرار می‌گیرد علاوه بر این، مکان مقدس نمادی مذهبی است که با توجه به اهداف قدرت سیاسی ترجمه می‌شود. یکی دیگر از ابعاد سیاسی اماکن مقدس بعد انحصاری بودن آن‌ها است. در نهایت فضای روحانی در ارتباط با سیاست تبعید است، به عبارت دیگر، فقدان فضای روحانی یا احساس غربت برای آن بخش از افرادی است که در گذشته با آن در ارتباط بوده و در حال حاضر از آن دور افتاده‌اند. [۲۳]

چیدستر و لیننتال فرضیه‌ی ون در لئو را شرح و بسط داده و بر نیروهای غیرمذهبی‌بی تأکید دارند که در ارتباط با مکان مقدس ایفای نقش می‌کنند. از نظر این دو، یک مکان مقدس نه‌تنها صرفاً در بعد ملکونی وجود دارد، بلکه در سطح حقیقی، ارتباطات قدرت سلسله‌مراتبی بین حاکمان و فرمانبرداران، کنارگذاری و گنجاندن، مالکیت و فقدان مالکیت دیده می‌شود. آن‌ها برای تشریح عملکردهای مختلف به‌کار گرفته در مورد مکان مقدس، نظریه‌ی «قدرت»^۱ [۲۴]

۱. Chidester & Linenthal

۲. Gerardus Van der Leeuw

میشل فوکو را برمی‌گزینند. مکان مقدس اولین و مهم‌ترین محل برای فعالیت آیینی به حساب می‌آید. این مکان جایی است که به انسان معنا می‌دهد. بنابراین این محل کانون رقابت یا مبارزه‌ای اجتناب‌ناپذیر بر سر مالکیت، مشروعیت و نمادهای مقدس است. از آن جایی که مکان مقدس مکانی است که مالکیت یا تصرف در مورد آن ادعا می‌شود و انسان از آن در جهت نیل به اهدافی خاص بهره می‌گیرد، پس عرصه‌ای به شمار می‌رود که در آن بازیگران مختلف دست به مبارزه بر جهت کسب قدرت می‌زنند.

جالب‌تر این که چارلستر و لیننتال بیان می‌کنند که معمولاً یک مکان مقدس هنگامی از نگاه خردان که آن‌جا را مبرا از گناه می‌دانسته‌اند، بیش‌ترین تقدس را پیدا می‌کند که به واسطه‌ی نهادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یا تصرف به وسیله‌ی چیزهای دیگری نه ممکن است آن را مورد هتک حرمت قرار دهند، در معرض خطر فرایند غیرمذهبی شدن قرار گیرد. مثلاً گروه‌های مذهبی متعارض، قدس را مکان مقدس در معرض خطر تلقی می‌کنند. برخی استدلال می‌کنند که سلسله‌ی امویان و نیز ایوبیان نظر ویژه‌ای به این شهر داشته‌اند؛ امویان پایتخت خود را به نزدیکی شام که قدس بخشی از آن بود منتقل کردند و ایوبیان نیز بعد از تصرف این شهر توسط جنگجویان صلیبی، برای بازپس‌گیری آن تلاش می‌کردند. تمام این گروه‌ها به واسطه‌ی نوشته‌های مقدس مانند «تپه‌ی موریاء»

۱. فوکو می‌گوید هر رابطه‌ی اجتماعی، یک رابطه‌ی قدرت است، اما هر رابطه‌ی قدرت، الزاماً به سلطه ختم نمی‌شود. از نظر فوکو، قدرت در اجتماع مدرن، نظامی از روابط مبتنی بر دانش (شبکه‌ی دانش/تقویت) است که فرد را در درون خود جا می‌دهد یعنی فرد همزمان که شناخته می‌شود (در دفتر خارجی ثبت می‌شود یا از درون خود را مطابق هنجارها و دانش تحمیل‌شده از سوی اجتماع می‌فهمد و طبقه‌بندی می‌کند) یا تحت نظام دانش‌هایی چون پزشکی، روان‌شناسی یا آموزش قرار می‌گیرد، مرئی می‌شود و به این ترتیب، تحت سیطره‌ی قدرت قرار می‌گیرد (میشل فوکو، مراقبت و تنبیه، افشین جهان‌دیده و نیکو سرخوش، نشر نی، ۱۳۷۸). قدرت بدن افراد را نیز از طریق آموزش و نظم دادن به محیط زندگی تحت تأثیر قرار می‌دهد و به همین دلیل، می‌توان از زیست‌قدرت یا زیست‌سیاستی حرف زد که می‌خواهد بر بدن اعمال شده و آن را در نظم مورد نظر خود سازمان دهد (همان و تاریخ جنسیت، ۱۳۸۲). اما فوکو در نهایت می‌گوید که قصد اصلی او، بررسی قدرت نبوده و می‌خواسته مسأله‌ی سوزده را بررسی کند، یعنی چگونگی شکل‌گیری فرد به‌عنوان کسی که می‌شناسد و البته به نظر فوکو، همزمان خود را تحت انقیاد قرار می‌دهد (میشل فوکو، قراسوی ساخت‌گرایی و هرمنوتیک، حسین بشریه، نشر نی، ۱۳۷۸) سو.

از طریق شهر داوود و معبد سلیمان، رویارویی‌های عیسی مسیح [ع] و شب معراج محمد [ص] بر قداست این شهر تأکید می‌کنند. [۲۵] حکایت‌های تاریخی در مورد الهام بخشیدن مردان مقدس به مردمان و کشورها بعد از فتح بخش شرقی قدس در سال ۱۹۶۷، این شهر را به کانون درگیری بین یهودیان اسرائیلی و فلسطینی‌ها و اعراب مسلمان تبدیل کرده است. [۲۶] بنابراین مکان‌های مقدس از این جهت تقاسم بیش‌تری پیدا می‌کنند که مردم حاضرند برای آن‌ها بجنگند و جان خود را فدا کنند، زیرا مکان مقدس منبع بی‌پایانی از معنا و نمادی از هویت قومی و مذهبی‌شان است. [۲۷]

چیدستر و یینتال با توجه به معانی وابسته به مکان‌های مقدس، نتایج خود را بر اساس تحقیقی از اردن در هاوایی و سرزمین آمریکا صورت گرفت. با وجود این، نتایجی که این سه به دست آوردند، به‌طور خاص، مربوط به جایگاه سرزمین مقدس از منظر هواداران مسیحی، این بزرگ‌ابراهیمی است. آن جایگاه در واقع، به‌خاطر محوریت آن در مناقشه‌ی سیاسی، موقعیت ویژه‌ای دارد.

فضیلت یک مکان مقدس از دید معتقدان به اهمیت سیاسی آن، دو مقوله‌ی مربوط به هم است. [۲۸] در دوران باستان و قرون وسطا، عقیده‌ی راسخ و ارتباط مذهبی و گاهی حتا پیوند میان مذهبی، محوریتی کانونی بودند که سیاست داخلی و نیز ارتباطات میان‌گروهی حول آن‌ها سازمان‌دهی می‌شدند. ملاحظات سیاسی آشکارا تصمیم فرمانروا یا نخبگان حاکم را درباره‌ی موقعیت استش‌گاه اصلی حکومت تحت تأثیر قرار می‌داد. تنها کافی است تصمیم [حضرت] داوود را در مورد انتقال صندوقچه‌ی عهد^۱ از کریات یعاریم^۲ به جیبوس^۳ قدیم مدنظر قرار

۲. Moriah: معروف به کوه موريا، نام تپه‌ای در قدس که در سفر پیدایش به آن اشاره شده است. به باور یهودیان، سلیمان نبی بر روی تپه‌ی موريا، در مرکز قدس هیکل سلیمان را برپا کرد. کوه موريا در روایات مذهبی جایی است که ابراهیم قصد قربانی کردن فرزندش را داشت. همچنین به باور برخی یهودیان، سنگ معراج که در مسجد قبله‌الصخره قرار دارد، از غار کوچکی در مرتفع‌ترین نقطه‌ی کوه موريا استخراج شده است.

دهید. این تصمیم یک شهر کوچک را به پایتخت سیاسی پادشاهی او تبدیل کرد. [۲۹] یا هجرت [حضرت] محمد[ص] را در نظر بگیرید. او به خاطر افزایش مخالفت‌ها از سوی قبیله‌ی حاکم، قریش که مسئول کعبه به‌عنوان مرکز آیین بت‌پرستان بودند، مجبور به ترک مکه شد. در ۶۳۰ میلادی [حضرت] محمد[ص] و پیروانش به‌عنوان فاتح به مکه بازگشتند و بعد از زدودن تمام شعائر کفر و بت‌پرستی کعبه را پرستش‌گاه مسلمانان قرار دادند. از آن زمان به بعد، زیارت سالانه‌ای با عنوان حج در مکه برگزار می‌شود. [۳۰] به این ترتیب، نمی‌توان پی‌آمدهای سیاسی، قلمی و شمردن یک مکان یا شهر را انکار کرد.

مدت‌ها «نظریه‌ی نژادپرستی»^۲ بر این باور بود که در جامعه‌ی نوین، پیوندهای مذهبی ارزش خود را به عنوان منبع هویت و وابستگی سیاسی به نفع هویت اجتماعی و ملی از دست خواهند داد، [۳۱] بنابراین انتظار می‌رفت که در جامعه‌ی نوین، کشمکش بر سر اماکن مقدس از بین رفته یا به‌ندرت صورت بگیرد. با این حال، در حقیقت، واقعیت سیاسی درست بر نقطه‌ی مقابل قرار دارد. به‌رغم عقل سلیم [۳۲] در حوزه‌ی نظری، احساسات مذهبی هنوز بخشی محوری در مناقشات قومی‌نژادی در سراسر جهان ایفا می‌کند، در حالی که مرزهای مذهبی و دین به‌طور کلی، بخش گسترده‌ای از طرز فکر قومی و ملی بسیاری از جوامع نوین را شکل می‌دهد. [۳۳]

سیاستمداران و روشنفکران برای ایجاد طرز فکر ملی و نوین، از جایز و فرهنگی و ضمیر همگانی استفاده کردند که از اساس، در گذشته سمت و سوی مذهبی داشت و از اماکن مقدس برای تقویت طرح‌های هویت ملی یا

۱. Ark of the Covenant: صندوق‌های که دو لوح سنگی حاوی ده فرمان حضرت موسی (ع) در آن قرار دارند.

۲. Kiriat Ye'arim

۳. Jebus: قدس امروزی.

۴. Modernization theory

قومی-نژادی بهره‌برداری می‌کرد، [۳۴] از این رو، مذهب و اماکن مقدس، عنصر فرهنگی کارآمدی از لحاظ ملی‌گرایی نوین به حساب می‌آیند. [۳۵] مکان‌های جبهه‌های نظامی و قهرمانان ملی تمامی ابزارهای مؤثری هستند که نخبگان ملی‌گرا آگاهانه یا ناآگاهانه از طریق آن‌ها روایت‌هایی را مجسم می‌کنند که ملت را «مقدس» می‌شمارد و میهن را «قلمروی مقدس» می‌نامد. [۳۶]

مناقشه‌ی فلسطینی‌ها-اسرائیلی‌ها نمونه‌ی به‌جایی از این فرایند است. از سده‌انداز جنبش صهیونیسم - هرچند جنبشی ملی و غیرمذهبی است - نمادهای مذهبی، داشته‌ی مهمی برای کسب مشروعیت به شمار می‌رفت. [۳۷] وابستگی مذهبی و «یهود»ی، ضمناً، بنیادهای تقویت مشروعیت برای آرمان «بازگشت به صهیون» یعنی، نماز، بازگشت به قدس مقدس و «سرزمین اسرائیل»^۱ به حساب می‌آمدند. زمانی که جنبش صهیونیسم در پایان قرن نوزدهم حرکت خود را آغاز کرد، اکثریت مردمان یهودی به‌دورتر پراکنده در سراسر جهان زندگی می‌کردند؛^۲ خارج از مهد تاریخی خود، یعنی سرزمین اسرائیل، این جنبش برای اتحاد طرفداران و نیل به هدف سیاسی جدید خود در احیای حیات سیاسی در سرزمین مقدس نیازمند وجه مشترک هویت مذهبی بود. این ارتباط بین دین و سیاست در تشریح دو مسئله در مورد اسرائیل راه‌گشا بود:

- چرا اسرائیل جدید به‌عنوان کشوری دموکراتیک و غیرمذهبی، در حکم کشوری یهودی تعریف می‌شود؟

- چرا کشور نوپا در سال ۱۹۴۸ اصرار می‌کرد تا قدس را به‌عنوان پایتخت خود اعلام کند، با وجود این که «شهر قدیمی» و اماکن مقدس آن در بخش شرقی شهر واقع بودند که در دست اسرائیل نبود؟

۱. Eretz Yisrael: به عبری، ارض اسرائیل-م.

۲. هم‌اکنون پس از تشکیل رژیم صهیونیستی، از چهارده میلیون یهودی در جهان، تنها ۵/۸۰۰/۰۰۰ یهودی در فلسطین اشغالی زندگی می‌کنند.

در این جا نماد بسیار مهم‌تر از خود واقعیت مطرح می‌شود. [۳۸] از منظر اسرائیل یهودی، قدس و تپه معبد^۱ منبع الهام ملی به شمار می‌روند.

همان مورد را می‌توان در مورد اعرابی مطرح کرد که در زمان امپراتوری عثمانی در ولایات (استان‌های) «فلسطین» زندگی می‌کردند. آن‌ها در اواخر قرن نوزدهم میلادی با جنبشی ملی از سوی یهودیان مواجه شدند که در پی تأسیس ماهیتی سیاسی و ملی در سرزمینی بود که حدود پنج قرن تحت لوای حاکمیت امپراتوری عثمانی به سر می‌برد. اعرابی که در این ولایات زندگی می‌کردند، جزو ضعیف‌ترین مردمان عرب بودند. آن‌ها برخلاف مصریان و سوری‌ها در حکم گروهی قومی یا سیاسی منسجم، متحد یا باهویت، فاقد پیشینه‌ی تاریخی بودند. زمانی که قدرت‌های امپریالیستی در خلال و بعد از جنگ جهانی اول حدود مرزهای ملی جدید را برای خاورمیانه تعیین می‌کردند، این مردمان خود را تحت سرپرستی بریتانیا یافتند. طبق اعلامیه‌ی «بلفور» بریتانیا می‌شد تا در همان قلمرو «کشوری ملی برای مردمان یهودی» تأسیس کند. در نتیجه، اسلام و علاوه بر آن، پان‌عربیسم^۲ اتحاد سیاسی کشورهای عربی قوی‌ترین منبع هویت ملی و مذهبی برای فلسطینی‌ها به شمار می‌رفت که به مبارزه با آن‌ها علیه صهیونیسم، عمق راهبردی می‌بخشیدند. حاج محمد امین الحسینی، مفتی اعظم قدس از سال ۱۹۲۲ تا ۱۹۴۸، همان شخصی بود که بر توان بالقوه و وحدت بخش نمادهای مذهبی در مبارزه‌ی خود با جنبش نوپای صهیونیسم اذعان می‌کرد. زمانی که طرح‌های الحسینی برای پیشبرد طرحی موسوم به «سوریه‌ی بزرگ» به واسطه‌ی مداخله‌ی انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها در سال ۱۹۲۰ شکست خورد، از پان‌عربیسم با محوریت دمشق به ایدئولوژی خاص فلسطینی با مرکزیت قدس روی آورد. [۳۹]

رهبری فلسطین به سرپرستی الحسینی تلاشی را به‌منظور کسب کمک از سوی

جهان اسلام آغاز کرد و با استفاده از نمادهای مذهبی اماکن مقدس، اجتماعات مسلمین را به نجات قلمرو اسلامی و سرزمین مبارک از دست غیرمسلمانان (یهودیان و انگلیسی‌های مسیحی) فراخواند. [۴۰] عالی‌ترین رهبر سیاسی آن‌ها القابی مذهبی چون «مفتی اعظم» و «رئیس شورای عالی مسلمانان» را به یدک می‌کشید. در واقع، اولین درگیری خشونت‌آمیز بین یهودیان صهیونیست و مسلمانان فلسطینی در سال ۱۹۲۹ بر سر موضوع اماکن مقدس مسئله‌ی [در ر] براق [دیوار غربی- به وقوع پیوست. از منظر یهودیان، دیوار غربی، یا همان دیواری که به اجازت تاریخی به «دیوار ندبه» مشهور است، آخرین بقایا از معبد یهودیان قدیم^(۱) کانی برای انجام آیین مذهبی به شمار می‌رفت، در حالی که تپه معبد، مقدس‌ترین مکان در آیین یهود به حساب می‌آید. از منظر مسلمانان، محوطه‌ی تپه معبد به این خاطر از احترام برخوردار است که مکان حضور پیامبر اسلام در شب معراج به هندس و عراج به آسمان و تداعی‌کننده‌ی شخصیت‌های محلی مسلمانان در روزگار قدیم است. این محل، مکان مسجدالاقصی و مسجد قبةالصخره است که قدیمی‌ترین بنای اسلامی موجود در جهان به شمار می‌رود. در سال ۱۹۲۹ قبل از وقوع درگیری، زمانی که یهودیان درصدد گسترش حقوق خود و دسترسی مذهبی به دیوار غربی بودند و در همان هنگام مسلمانان مانع از آن می‌شدند و در حرم شریف و مسجدالاقصی عبادت می‌کردند، تنها مسئله‌ی مورد مناقشه، زمان برگزاری این آیین و نیایش‌ها بود.

به‌طور مشابه در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰، وزیر دفاع وقت اسرائیل، آریل شارون آشکارا از تپه معبد بازدید کرد و همین مسئله باعث انتفاضه‌ی دوم شد. در واقع، اهمیت مذهبی این مکان القاکننده‌ی انتفاضه به شمار می‌رفت. [۴۱] اسلام‌گراهای ساکن اسرائیل مانند شیخ رائد صلاح، رئیس شاخه‌ی جنبش اسلامی در شمال فلسطین،

۱. محل توقف مرکب حضرت پیامبر (ص) در شب معراج...م.

با موفقیت از شعار «الاقصی در خطر است» به منظور گرد آوردن هواداران برای دفاع از منافع مسلمانان بهره‌برداری کردند.[۴۲] بار دیگر سیاست ملی با اجبار قبولاند که اماکن مقدس قدس عامل کشمکش خشونت‌آمیز خواهد بود.

در مورد مسئله‌ی فلسطین ما شاهد پیوندی از فرایند به‌کارگیری اماکن مقدس به منظور نیل به اهداف سیاسی هستیم که با فرایند برجسته‌سازی قداست و ارزش این نوع اماکن همراه است.[۴۳] بنابراین سطح تقدس، حتا در بافت نوین و غیرمذهبی، به‌شدت با مرکزیت سیاسی اماکن مقدس در ارتباط است. ملاحظات سیاسی هم پس از دوران معاصر، که جدایی دین و سیاست وجود نداشت و هم در دوران معاصر به‌طور عمده دین از سیاست جدا است[۴۴]، همچنان مرکزیت یک مکان مقدس را هم به لحاظ ادینی و نیز ارتباطات میان‌گروهی تحت تأثیر قرار می‌دهد و سیاستمداران اغلب از به‌جان احساسی ایجادشده توسط یک مکان مقدس بهره‌برداری می‌کنند.[۴۵]

این پدیده را حتا با توجه به «اماکن مقدس غیرمذهبی» همچون ماسادا^۱ می‌توان در اسرائیل امروزی به چشم دید. ماسادا در خلال سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷ اهمیت نمادین پیدا کرد و این درست زمانی بود که اسرائیل برای محکمی در شهر قدیمی قدس نداشت. در خلال آن دوره، افسران اسرائیل در ارتفاعات ماسادا زیر نور مشعل، مراسم ادای سوگند برپا می‌کردند و اظهار می‌داشتند که «ماسادا دیگر هرگز سقوط نخواهد کرد».[۴۵] تلاش‌های مشابهی در خلال «مان‌دوره» در جهت تقدیس کوه صهیون صورت می‌گرفت؛ این کوه نزدیک‌ترین نقطه در قدس یهودی به دیوار غربی به شمار می‌رفت.[۴۶] بعد از تسخیر شهر قدیمی توسط اسرائیلی‌ها در سال ۱۹۶۷، اهمیت نمادین ماسادا و کوه صهیون به نفع

۱. Masada، قلعه‌ای بر قلعه کوه در جنوب شرق قدس است. این قلعه مکانی است که یهودیان در سال هفتم میلادی پس از سقوط قدس آخرین دفاع خود را در برابر رومی‌ها انجام دادند و چون هیچ راهی برای فرار نداشتند و نگران از اتفاقات پس از اسارت بودند دست به خودکشی دست‌جمعی زدند.

دیوار غربی کم‌تر شد.

موقعیت خاص فلسطین - اسرائیل

اگرچه مسائل حول محور اماکن مقدس در کشورهای مختلف و در خلال درگیری‌های گوناگون در سطح ملی همواره مطرح بوده است، به‌یقین نمی‌توان انکار کرد که خاورمیانه یکی از مناطق جهان است که موضوع‌های مربوط به اماکن مقدس اهمیت بسیاری بارزی داشته‌اند. بیش‌تر مباحث مربوط به اماکن مقدس در اسرائیل فلسطین به تپه معبد یا موضوع‌های تاریخی مرتبط با به اصطلاح «وضع موجود» در درون فلسطین معطوف است [۴۷]. درست است که این موارد مسائل مهمی هستند، ولی با مداخله سیاسی دوران قدیم یا موضوع‌هایی در ارتباط است که از لحاظ مسائل الهی مهم هستند. مباحث اندکی به تشریح سیاست اماکن مقدس در اسرائیل و فلسطین پرداخته‌اند.

با این همه، کاملاً مشخص است که اماکن مقدس در اسرائیل و فلسطین پی‌آمدهای سیاسی در پی دارند. تنها کافی است تعدادی از این نمونه‌ها را در نظر بگیریم:

- مشاجره‌ی تند بین یاسر عرفات، رئیس سازمان آزادی‌بخش فلسطین، و گروه مذاکره‌کننده‌ی اسرائیل در اجلاس کمپ‌دیوید [۴۸] در جولای سال ۲۰۰۰، که به‌خاطر اظهارنظر عرفات در مورد این که معبد یهودی هرگز در حرم شریف بنا نخواهد شد، شکست مذاکرات را در پی داشت.

- بازدید بد موقع شارون از تپه معبد که باعث کشتار سال ۲۰۰۰ شد.

- قتل عام مصیبت‌بار مسلمانان در آرامگاه پدران^۱ در شهر الخلیل در ۲۵ فوریه‌ی